

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

در مورد خواب، روانکاوانِ دورانِ جدید، مباحث فراوانی کرده‌اند. از یک نظر می‌توان گفت: خواب به منزله‌ی درجه‌ی اطمینانی است که روح آزاد باشد و آزاد شود. بنابراین آنچه در بیداری نمی‌توان گفت یا صحیح به نظر نمی‌رسد در خواب جلوه می‌کند و بدیهی است چون در زندگی عادی این افکار جلوه نمی‌کند به همان دلیل در خواب هم به صورت اصلی جلوه نمی‌کند بلکه به صورت سمبلیک (نمادین) جلوه می‌کند. البته بعضی خواب‌ها «أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» بوده و مربوط به وضع جسمی بدن است و مثلاً وقتی کسی معده‌اش خراب باشد، خواب بد می‌بیند یا امیالی است که در بیداری برآورده نشده و امثال اینها ولی خواب مؤمن (به خصوص در مواقع خاصی که گفته‌اند) به منزله‌ی آن است که این روح انسانی یعنی نَفْحَتُ فِيهِ مِنْ رُوحِی را خداوند از او می‌گیرد و در جهان گردش می‌دهد و بسیاری از چیزها را می‌بیند. اما بعضی‌ها را که خداوند به مصلحت می‌داند فراموش خواهد کرد ولی به هر جهت این فراموشی همیشگی نیست و در ذهن او اثر می‌کند. (برگرفته از مکاتیب عرفانی، تاریخ

۱۳۷۷/۶/۱۹

ما برای خواب آفریده نشدیم. ما برای بیداری آفریده شدیم. اگر هم خداوند خواب را مقرر کرده است، برای این است که بعد بتوانیم بیدار باشیم. هم بیداری ظاهری و هم بیداری معنوی. طریقی که بتوان آن خواب را هم جزء بیداری حساب کرد، البته با رعایت اعتدال که فرموده‌اند بین شش تا هشت ساعت باید خوابید. از شش ساعت کمتر نباشد از هشت ساعت بیشتر نشود. این جنبه‌ی دستورات عملی طبّی را فرموده‌اند که برای ما معتبر است.

ولی باید وقتی در این اندازه با رعایت اعتدال خوابیدیم، چه بکنیم که آن خواب جزء بیداری ما باشد؟ و بلکه شاید از بیداریمان بهتر باشد. ما الان در آن حال بیداری که خودمان می‌گوییم که الان مثلاً همه بیداریم، توجه به ذکرمان داریم ولی همیشه توجه به ذکر نداریم. چون مشکلات زندگی و وقایعی که اتفاق می‌افتاده حواس ما را به خودش جمع کرده، در خواب این مشکلات خارجی نیست. این نیرویی که ما را در زندگی معمولی اداره می‌کند آن نیرو به خواب رفته ولی حقیقت و آن نَفْحَتُ فِيهِ مِنْ رُوحِی (سوره حجر، آیه ۲۹/سوره ص، آیه ۷۲) که خداوند فرمود، به خواب نمی‌رود. لِاتَّخِذَهُ سِنَةً

وَلَا تُؤْمِرُ (سوره بقره، آیه ۲۵۵) روح خداوند به خواب نمی‌رود. بنابراین در ما هم که خداوند از روح خودش دمیده است، می‌فرماید: فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي، آن روح به خواب نمی‌رود. آن روح بیدار است و حتی بهتر می‌تواند کار کند از ایامی که ما، در زندگی هستیم. برای اینکه دنباله‌ی خواب هم بیداری واقعی ما حساب شود، دستوراتی هست، دعاهایی که موقع خواب باید خواند. موقع خواب با یاد خدا و با دعاهایی یا چیزهایی که از دل برمی‌خیزد، بخوابیم.

روانکاوان که به خواب اهمیت می‌دهند و تحقیق می‌کنند (البته آنها جنبه‌ی معنوی خواب را در نظر ندارند) می‌گویند اگر در موقع خواب یک فکری پشت سر هم باشد آدم بین خواب و بیداری احساس نمی‌کند. مرزی ندارد که چه زمانی خواب است چه زمانی بیداری؟ و همان فکر در خواب هم ادامه پیدا می‌کند. کما اینکه اگر شما دعایی می‌خوانید یا وردی، ذکری موقع خواب می‌خوانید در همان حال به خواب بروید در خواب هم دنباله‌ی همان غالباً دیده شده، گفته می‌شود. به این طریق در واقع زمان خواب هم شما به یاد خدا هستید اگر با ذکر بخوابید، همانطوری که در بیداری قبل از خواب به یاد خدا هستید در خواب هم ذکر می‌گویید که اخباری هم هست که فرموده‌اند که موقع خواب دعاها را بخوانید تا آن خوابتان هم دنباله‌ی بیداری به یاد خدا تلقی خواهد شد. ان شاء الله. (برگرفته از شرح رساله شریفه پندصالح (دوره اول)، شب جمعه، تاریخ ۱۳۷۹/۶/۳۱)

خوابی که می‌بینید، اولاً اگر خواب بشارت باشد باید شکرگزاری کنید. به شما خبر می‌دهد. اگر هم خوابی باشد که خود شما تصور می‌کنید که این خواب بد است، نباید به کسی بگویید چون ممکن است آن شخص حرفی بزند و آن حرف اجرا شود. در همان داستان، دو نفری که در زندان نزد حضرت یوسف آمدند و گفتند ما خوابی دیده‌ایم برای ما تعبیر کن، یکی از آنها که خواب دیده بود حضرت به او گفتند گناه تو بخشیده می‌شود و به شغل قبلی خود برمی‌گردد. به دیگری گفتند تو را فردا یا پس فردا می‌زنند و مرغان هوا مغز تو را می‌خورند. این خیلی بعید است که مرغان هوا مغز سر کسی را بخورند، حالا چطور شده؟ نمی‌دانم. می‌گویند بعد از اینکه حضرت تعبیر خواب او را گفتند، او گفت که من اصلاً چنین خوابی ندیدم، بیخود گفتم، می‌خواستم تو را امتحان کنم. حضرت به او گفتند آنچه من گفتم اتفاق می‌افتد چه تو خواب دیده باشی چه تو خواب ندیده باشی یعنی گفته‌ی حضرت انجام می‌شود. قرآن هم اشاره‌ای دارد برای اینکه بعد از داستان حضرت یوسف، تعبیر خواب را می‌گوید: قرآن از قول یوسف می‌گوید که: قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (سوره یوسف، آیه ۴۱) آن مطلبی که راجع به آن از من سؤال کردید قرار شد، قضای الهی بر آن قرار گرفت؛ بنابراین خوابی هم که شما می‌بینید و یا فکر می‌کنید بد است یا تعبیر دارد به کسی نگویید. مگر از قرآن، خود شما بفهمید یا به بزرگی بگویید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یکشنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱)

هرگز در خواب برای دیگری تکلیف تعیین نکنید، مثل وقتی که آن قدیم‌ها، کاغذی را حضرت محبوب‌علیشاه نشان دادند که یکی از فقرا آمده بود به نظرم از ورامین یا گرمسار (فرق نمی‌کند) که من نذر کرده‌ام هر سال فلان روز گوسفندی قربانی کنم و غذایی بدهم و آقای جذبی (مرحوم آقای جذبی) را هم دعوت کنم که ناهار تشریف بیاورند. بگویید که ایشان بلند شوند و بیایند. این خواب‌ها اثر ندارد. راجع به خواب، داستان‌های فراوانی گفته‌اند که همه جالب است. در مقابل این خواب‌هایی که گفتم پاسخ شما را می‌دهد بعضی خواب‌ها هست که برای شما ایجاد سؤال می‌کند یعنی بعضی خواب‌ها پاسخ غرغری که در دل خود کرده‌اید و هیچکس جز خود شما خبر ندارد، پاسخ آن را می‌دهد. بعضی خواب‌ها به عکس، برای شما ایجاد سؤال می‌کند، در این خواب‌ها آن سؤالی که منطبق بر زندگی عادی مردم هست باید بگویید و پرسید و در زندگی گفته می‌شود. جواب آن سؤال را در زندگی به شما داده‌ایم. اگر نه، صبر کنید خواب دیگری خواهد آمد و پاسخ این خواب را بگیرید.

من حالا خیلی اوقات ناچارم برای اینکه شما باور کنید از خودم بگویم همه اینطور می‌شوند، منتها کسی که چنین تجربه‌ای داشته باشد اگر بگوید ممکن است باور نکنید. من می‌گویم که بدانید. من خواب امتحان ششم ادبی که سال ۱۳۲۴، شصت و چهار سال پیش می‌دادم را دیدم. همه‌ی درس‌هایم خوب بود. هر سؤالی می‌دادند، کتبی و شفاهی نگرانی نداشتم. درسی را خواب دیدم، بلند شدم. بچه‌ها (بچه‌ها که می‌گویم یعنی هم‌سن‌های آنوقت خودم) درس را می‌خواندند بعد فال می‌گرفتند که چه سؤالی خواهد آمد، آنوقت آن را خیلی می‌خواندند ولی من که خواب هم دیدم هیچ این کار را نکردم. فکر کردم یک خواب است، اگر راست باشد، من که همه را بلدم، من می‌خواهم امتحان واقعی بدهم، نه اینکه این سؤال را بخوانم، بلد باشم و سایر چیزها را بلد نباشم، نه! اصلاً آن سؤال را که خواب دیدم نخواندم. در امتحان، سؤال همان بود. من خوشحال شدم از اینکه خداوند این توفیق را به من داد و خوشحال شدم که من در مقابل این توفیق فقط شکرگزاری کردم، سوءاستفاده نکردم. اگر از این استفاده می‌کردم دیگر خواب نمی‌دیدم ولی استفاده نکردم و باز چندین بار تکرار شد یعنی زندگی عادی که در بیداری انجام می‌دهیم آن را جداگانه مطابق قواعدی که زنده‌ها دارند انجام دادم. فقط این تعبیر را از آن خواب گرفتم، آخری اثر هم نباید بگذاریم، اگر بی‌اثر هم بگذاریم گناه است، این اثر را دارد که سرم را بالا کردم به آنکه این خواب را به من نشان داد گفتم متشکرم. فقط یک شکرگزاری. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲)

یک سؤالی رسیده و آن اینکه پرسیده از کجا تشخیص بدهیم این خواب است یا مکاشفه است؟ اصلاً مکاشفه را رها کنید فکر کنید که مکاشفه‌ای نیست برای اینکه مکاشفه اگر باشد، خودش می‌گوید من از کجا هستم. منتها افراد چون خیلی دلشان می‌خواهد که مکاشفاتی داشته باشند و ببینند، منتظر بهانه هستند و هر چیزی را ممکن است مکاشفه ببینند. این است که این شق را کنار بگذارید. خود

رویا هم یک مکاشفه است منتها تفاوت آن این است که مکاشفات اصطلاحی است که ما می‌گوییم از یک منبع غیبی سرچشمه می‌گیرد و منبع غیبی که علاقه‌مند است که به سرنوشت این شخص دخالت کند، نگاهی بکند یا برنامه‌ی آینده‌ی زندگی او را تعیین می‌کند یا نسبت به گذشته‌ات اظهار نظر می‌کند ولی رویا همان چیزها را دارد منتها تفاوت آن، این است که نظر بر تمام مشکلات زندگی او دارد تمام مشکلاتی که دارد و تمام وقایع خارجی که دیده همه‌ی اینها مؤثر است و حتی آنچه در کودکی دیده است. در کودکی که شما و ما خیال می‌کنیم این هیچ چیزی نمی‌فهمد در آن کودکی دیده، در او اثر می‌کند و اثرش عمیق است. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۹۱/۳/۳)

آنچه آدم در خواب می‌بیند، هم واقعیت است، هم واقعیتی است که با وضع فعلی ما جور در نمی‌آید. در واقع مشکل‌ترین پدیده‌های روحی ما، مورد بررسی همه رقب علماء قرار گرفته، علمای طبیعی از یک نظر بررسی کرده‌اند، علمای روانشناسی، روانکاو از یک نظر دیگر، حکما و فلاسفه از یک جهت، عرفا از جهت دیگر. هر کدام از این تحقیقات هم در زمینه‌ی خودش با ارزش است. خواب برای ما، یک نشانی‌هایی می‌دهد که خیلی مسائل دیگر را بفهمیم.

گاهی یک خواب‌هایی می‌بینیم که حتی تا آخر عمر ممکن است همراه ما باشد حتماً همه‌ی ما از این قبیل خواب‌ها دیده‌ایم. پس این خواب، یک نخ ارتباطی خاصی با زندگی ما دارد چه بسا با آن زندگی که ما خودمان از آن خبر نداریم، به اصطلاح امروز ناخودآگاه ولی به هر جهت وجود دارد و در این تعبیرات باید دقت کنیم. به همین جهت هم عرفا برای سلوک یک سالک، به خوابش خیلی اهمیت می‌دهند، نه اینکه هر چه خواب گفت انجام می‌دهند، نه! ولی به خواب اهمیت می‌دهند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، تاریخ ۱۳۹۰/۵/۸)

بیانات حضرت آقاسی حاج دکتر نورعلی تابنده (محبوب‌علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پند صلح / شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قهرمی، امر به معروف و نهی از منکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسله الاولیاء) / جزوات رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ با کزیده‌هایی از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت کزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال @jovzveh121 در برنامه‌ی تلگرام پیوندید.